



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۰ خرداد ۱۴۰۴

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - قلمرو حجیت خبر واحد - جهت چهارم - مطلب دوم: مصادف با: ۴ ذی الحجه ۱۴۴۶

بررسی حجیت خبر واحد در موضوعات - اقوال - تنقیح محل نزاع - ادله اقوال - ادله حجیت - دلیل اول - دلیل دوم - اشکال - پاسخ - ادله عدم حجیت - دلیل اول - بررسی دلیل اول - اشکال اول - بررسی اشکال اول - اشکال دوم - اشکال سوم - اشکال چهارم

جلسه: ۱۲۴

سال شانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مطلب دوم: بررسی حجیت خبر واحد در موضوعات

مطلب دوم در جهت چهارم از جهات مرتبط با قلمرو حجیت خبر واحد، درباره اعتبار و حجیت خبر واحد در موضوعات خارجی است و اینکه آیا خبر واحد در موضوعات هم حجت است یا خیر؟ این بحث البته مستقلاً در بعضی از کتاب‌های قواعد فقهیه به عنوان یک قاعده مورد بحث قرار گرفته است؛ «قاعده حجیه خبر الواحد فی الموضوعات» البته برخلاف مشهور، چون حداقل مشهور در میان غیر متاخرین این بوده است. اگر بخواهیم به نحو مبسوط به این مسئله بپردازیم، محتاج چند جلسه بحث است. اما ناچاریم این را هم فشرده در یک جلسه ارائه کنیم و به چند مطلب باقیمانده برسیم.

اقوال

مشهور قائل به عدم حجیت خبر ثقه در موضوعات خارجی هستند. برخلاف مشهور، مخصوصاً در میان متاخرین، بعضی قائل به حجیت خبر ثقه در موضوعات خارجی شده‌اند. قول سومی هم در مسئله وارد شده و آن هم توقف و احتیاط است که حالا اشاره خواهیم کرد. بعضی احتیاط کردند؛ یعنی با آنکه ادله عدم حجیت خبر واحد در موضوعات را نپذیرفتند، اما رعایه للمشهور گفتند باید احتیاط کرد و خبر واحد را در موضوعات خارجی نپذیرفت.

از جمله اولین کسانی که این بحث را مطرح و قائل به عدم حجیت خبر واحد در موضوعات خارجی شده‌اند، مرحوم نراقی^۱ است. از عبارات محقق همدانی همدانی^۲، بعضی از عبارات مرحوم آقای حکیم^۳، حجیت خبر واحد در موضوعات استفاده می‌شود، محقق خویی^۴، شهید صدر^۵. و از میان معاصرین و اساتیدی که در قید حیات هستند، آیت‌الله آقای مکارم هم قائل به این هستند. اما در مقابل، مشهور، قائل به عدم حجیت خبر واحد ثقه هستند. اگر بخواهیم مواردی را که ذکر کرده‌اند بیان بکنیم، این موارد زیاد است که در ضمن ادله انشاءالله اشاره می‌کنیم.

تنقیح محل نزاع

^۱ عوائد الایام. ص ۸۱۹.

^۲ مصباح الفقیه، جلد ۱، صفحه ۶۰۹.

^۳ مستمسک، جلد ۱، صفحه ۲۳.

^۴ تنقیح، جلد ۱، صفحه ۲۱۱.

^۵ شرح العروة، جلد ۲، صفحه ۸۳.

لازم است قبل از بررسی ادله، محل نزاع را تنقیح کنیم. اینکه ما می‌گوییم خبر واحد در موضوعات خارجی حجیت دارد یا ندارد، منظور چیست، یعنی در کجا و چه موضوعاتی؟

مواردی که نص داریم، دلیل داریم که بینه باید باشد، از موضوع بحث ما خارج است. چنانچه خواهیم گفت، بینه یعنی دو شاهد عادل. ما در موارد متعددی دلیل داریم بر اینکه دو عادل باید شهادت بدهند، والا قابل قبول نیست. اگر یک نفر بیاید شهادت بدهد یا مثلاً اخبار کند، این مورد قبول نیست. در باب مخاصمات و نزاع‌ها، مخبر واحد و خبر واحد کفایت نمی‌کند. نص داریم که آنجا به خبر واحد نمی‌توان اکتفا کرد. در ثبوت هلال، دلیل داریم که به خبر واحد نمی‌توان اکتفا کرد.

در مواردی هم دلیل معتبر و روایت خاص داریم بر اعتبار خبر واحد، یعنی حتی کسانی هم که قائل به عدم حجیت خبر واحد در موضوعات هستند، اعتبار خبر واحد را در این موارد پذیرفته‌اند مثلاً در جایی که شخص ثقه که اطلاع بر اوقات اذان دارد، اذان بگوید، این کافی است برای وارد شدن وقت نماز. اینجا روایت خاص داریم که این دلیل داخل شدن وقت است. در مورد ثبوت هلال هم دلیل خاص داریم. اینها یا اگر کسی از خبر ثقه اطمینان شخصی پیدا کند، اطمینان شخصی هم چون قطع و علم عادی محسوب می‌شود، حجت است. همانطور که اگر یک کسی قطع پیدا کند، برای او حجت است. علم و قطع عادی یعنی اطمینان هم حجیت دارد. حالا اگر کسی از خبر ثقه‌ای یقین پیدا کند، این حجت است همانطور که اگر خبر ثقه موجب حصول اطمینان برای این شخص شود، این خبر برای او حجت است.

انما الکلام در خبر واحد از موضوعات خارجی که اطمینان حاصل نشود از آن خبر، و روایت و نص خاصی هم در آن وارد نشده باشد. پس ما می‌خواهیم ببینیم خبر واحد از یک موضوع خارجی در حالیکه نص خاص بر آن نیست و در حالیکه موجب وثوق و اطمینان شخصی نیست، حجیت دارد یا ندارد؟

ادله اقوال

ادله حجیت

از جمله کسانی که قائل به حجیت شده‌اند و معتقدند خبر واحد در موضوعات حجت است، مرحوم کاشف الغطاء^۱ است. وی در مورد اثبات کر بودن آب می‌گوید: خبر عادل واحد کافی است^۲، در ثبوت نسب می‌گوید: خبر واحد کافی است^۳. محقق همدانی در مواضع مختلف^۴ از جمله ثبوت نجاست و در وقت نماز این را مطرح کرده است^۵. مرحوم آقای خویی هم که قائل به حجیت خبر واحد در موضوعات شده و دیگران هم این را فرموده‌اند، شهید صدر هم این را فرموده است^۶. اما عمده این است که چه دلایلی بر حجیت خبر واحد در موضوعات وجود دارد؟

چند دلیل بر حجیت خبر واحد در موضوعات می‌توان اقامه کرد:

دلیل اول

^۱ کشف الغطاء، جلد ۱، صفحه ۲۲۶.

^۲ کشف الغطاء، جلد ۲، صفحه ۴۰۵.

^۳ کشف الغطاء، جلد ۲، صفحه ۱۹۵.

^۴ مصباح الفقیه، جلد ۸، صفحه ۱۶۹.

^۵ مصباح الفقیه، جلد ۹، صفحه ۳۶۹.

^۶ شرح العروة، جلد ۲، صفحه ۱۰۲.

یک دلیل همان ادله حجیت خبر واحد است: من الآیات و الروایات و سیره العقلاء.

آیه نفر دلالت بر حجیت خبر واحد دارد. البته آیه نفر چه بسا به احکام و امور دینی مربوط باشد: «لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ مخصوصاً با ذیلش که «لَعَلَّهُمْ يَحْضَرُونَ» دارد. این شاید شمول نسبت به موضوعات نداشته باشد.

اما آیه نبأ؛ اگر دلالت آن را بپذیریم (هرچند ما اشکال کردیم) این شامل موضوعات می‌شود.

به علاوه، سیره عقلاء هم دلالت دارد چون عقلا در عمل به خبر ثقة هیچ فرقی بین احکام و غیر احکام نمی‌گذارند. همانطور که بین امور مهمه و غیر مهمه فرق نمی‌گذارند. همانطور که در امور اعتقادی غیر محتاج به جزم و معرفت و یقین به خبر واحد اخذ می‌کنند.

دلیل دوم

غیر از این ادله، روایات خاص هم داریم. البته گفتیم روایات را با کمک تواتر اجمالی می‌توانیم به عنوان مستند ذکر کنیم. اما در بیان همین روایات موارد متعددی وجود دارد که در مورد یک موضوع خارجی است، از جمله:

روایت اول: «سألته عن رجل تزوج جارية أو تمتع بها فحدثه رجل ثقة أو غير ثقة فقال: إن هذه امرأتی ولیست لی بینة، فقال: إن كان ثقة فلا یقر بها وإن كان غیر ثقة فلا یقبل منه»^۱. یک مردی ازدواج کرد با یک جاریه‌ای یا متعه کرد. سپس یک مرد ثقة یا غیر ثقة‌ای آمد گفت: این همسر من است و هیچ بینه‌ای هم ندارد. حضرت فرمود: اگر او ثقة است، دیگر نزدیک آن زن نشود، اما اگر ثقة نیست به حرف او گوش نده و این ادعا از او پذیرفته نیست». این روایت می‌تواند به نوعی دلالت داشته باشد، اما ممکن است به طور خاص در باب نکاح این مسئله از باب احتیاط در فروج مورد توجه قرار گرفته باشد.

روایت دوم: روایتی که در باب اذان وارد شده: «قال علی (علیه السلام): قال المودن مودن، والامام ضامن»^۲. روایات متعددی در باب اذان داریم.

روایت سوم: از امام صادق: «قال سألته عن رجل کانت له عندی دنانیر و کان مریضا فقال لی ان حدث بی حدث فاعط فلانا عشرين دینارا و اعط اخي بقية الدنانیر فمات فلم اشهد موته فاتانی رجل مسلم صادق فقال لی انه امرنی ان اقول لک انظر الدنانیر الی امرتک ان تدفعها الی اخي فتصدق منها بعشرة دنانیر اقسما فی المسلمین و لم یعلم اخوه ان عندی شیئا فقال اری ان تصدق منها بعشرة دنانیر»؛ آن شخص، قبل از مردن به او گفته بود این کار را بکن. حالا بعد از مردن یک کسی آمده پیدا شده، می‌گوید به من گفت: برو به فلانی بگو ۱۰ درهم صدقه بده. امام فرمود: بده» این یک موضوع خارجی است.

اشکال

مهمترین اشکالی که به ادله حجیت خبر واحد و شمول آن نسبت به موضوعات خارجی مطرح شده، این است که درست است سیره عقلاء بر این قرار گرفته شده که در همه امور اعم از احکام و موضوعات و عقاید و غیر آن به خبر ثقة و اخذ می‌کنند، اما در مقابل این، ما رادع داریم. مهم‌ترین رادع، یک روایتی است از مسعدة بن صدقه که بر اساس آن ما می‌توانیم بگوییم امام (علیه السلام) از

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۲۳ از ابواب عقد نکاح، ح ۲.

^۲ وسائل الشیعه، جلد ۴، باب ۳، از ابواب اذان، حدیث ۲.

این سیره عقلایی که در موضوعات به خبر واحد اخذ بکنند، منع کرده‌اند و از آنجا که سیره عقلاء نیاز به امضا یا حداقل عدم ردع دارد (و تا زمانی که ردع نشود اعتبار دارد. اما اگر ردع شود، دیگر قابل اخذ نیست.) اینجا معتبر نیست چون از آن ردع شده است.

پاسخ

این اشکالی است که اینجا مطرح شده که ما این را در ضمن بررسی ادله مخالفان حجیت خبر واحد در موضوعات خارجی انشاءالله بررسی خواهیم کرد.

ادله عدم حجیت

ادله عدم حجیت خبر واحد در موضوعات خارجی چند دلیل است:

دلیل اول

مهم‌ترین دلیل ایشان روایت مسعد بن صدقه است که گفتیم به عنوان رادع سیره عقلاء هم معرفی شده. روایت از مسعد بن صدقه است که از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است. ذیل آن این است: «و الاشیا کلها علی هذا حتی یستبین لک غیر ذلک او تقوم به البینه»؛ می‌گوید: همه اشیاء بر این وضع [قرار] هستند تا خلاف آن ثابت شود یا بینه بر آن قائم شود. چون روایت در مورد موضوعات است، از این روایت استفاده کرده‌اند که یا باید شخص علم پیدا کند یا دو نفر شهادت دهند، یعنی بینه و خبر واحد کافی نیست.

این رادع سیره عقلاء است. کأنه امام (علیه السلام) از آن سیره عقلایی ردع و منع کرده است.

بررسی دلیل اول

این روایت از جهاتی مورد اشکال قرار گرفته است.

اشکال اول

اشکال اول این است که استبانه یعنی آشکار شدن و این لزوماً با علم و یقین حاصل نمی‌شود، بلکه ما اگر معنای استبانه را یک مقداری توسعه بدهیم و آن را منحصر در علم و یقین نکنیم، شاید بتوانیم بگوییم با ظن و گمان هم استبانه حاصل می‌شود. توضیح مطلب اینکه:

استبانه گاهی تام است، گاهی تام نیست. آشکار شدن یک وقت تام است با تمام جزئیات و صد در صد، یک وقت استبانه مثلاً ۹۰ درصد، ۸۰ درصد است. پس استبانه می‌تواند منحصر در علم و قطع باشد و می‌تواند شامل ظن هم بشود بینه هم همینطور چنانچه مرحوم آقای خویی فرموده که بینه به معنای مطلق حجت است، نه شهادة عدلین، و لذا شامل خبر واحد هم می‌شود.

بررسی

این اشکال چه بسا قابل رفع است؛ چون استبانه ظهور در آشکار شدن تام دارد و بعید است که بگوییم این شامل خبر واحد می‌شود. بله، اگر با مسامحه برخورد کنیم، استبانه و آشکار شدن منحصر در علم نیست. اما اینکه محقق خویی فرموده‌اند بینه عبارت از مطلق حجت است، این خلاف این اصطلاحی است، این اصطلاحی نیست که در لسان فقها حادث شده باشد، بلکه از اول مرسوم بوده که عنوان بینه را بر دو شاهد عادل اطلاق می‌کردند.

اشکال دوم

اشکال دوم این است که بر فرض استبانه به معنای علم و یقین به بینه به معنای اصطلاحی یعنی شهادة عدلین باشد اما این روایت به معنای حصر ادله در این دو مورد نیست، برای اینکه ما می‌بینیم در موارد بسیاری از غیر این دو راه استفاده می‌شود. در نجاست

دلیل داریم، در اخبار ذوالید دلیل داریم. گاهی وقت‌ها با استصحاب نجاست ثابت می‌شود. اگر ادله محصور در این دو باشند و حصر حقیقی باشند، پس باید بگوییم اکثر موارد تخصیص خورده‌اند؛ چون در بسیاری از موارد ما می‌بینیم به خبر واحد اکتفا شده است. بنابراین التزام به حصر در این دو مورد مستلزم تخصیص اکثر است، و این قابل قبول نیست.

اشکال سوم

اشکال سوم این است که این دلیل اخص از مدعاست. برای اینکه دلیل در مقام نفی حجیت خبر ثقة است، اما مودای دلیل و روایت این است که خبر ثقة تنها در اموری که مخالف با اماره ید باشد حجت نیست. لذا این اخص از مدعاست.

اشکال چهارم

چگونه یک روایت که بعضاً در سند آن هم اشکال شده، می‌تواند رادع سیره عقلاء باشد؟ برای اینکه از یک سیره عقلایی در میان عقلاء منع بشود، مخصوصاً اگر آن سیره رایج و شایع باشد، لازم است کراً در مواضع مختلف بیان شود که این سیره مورد قبول شارع نیست. حالا یک چنین سیره‌ای با این گستردگی چگونه ممکن است با یک روایت منع شود.

بحث جلسه آینده

این دلیل اول قائلین به عدم حجیت خبر ثقة در موضوعات است. دو دلیل دیگر هم دارند که باید بررسی شود.

«والحمد لله رب العالمین»